



دانشکده ادبیات و علوم انسانی مرکز تهران جنوب

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته اخلاق اسلامی

عنوان :

شاخصه های اخلاقی گروه های مرجع

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علیرضا اژدر

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ابراهیم نیک صفت

دانشجو:

مریم عزیزی

بهار ۱۳۹۲



تقدیم به :

مادر و پدر عزیزم

که اولین مراجع من در پیمودن مسیر حق بودند.

و به رهبر عالی مقام کشورم

که همواره نگاهم را عمق بخشید و بارزترین الگوی عملی برای تمام مسلمین جهان است.

و به همسرم

که مرا در این مهم یاری نمود.

چکیده

از جمله مهمترین عواملی که در فرایند شکل گیری نگرش، تصمیم گیری و کنش افراد در جامعه، نقش دارند افراد یا گروه های مرجع اند. گروه مرجع دو کارکرد عمده ایفا می کنند: اولاً هنجارها، رویه ها، ارزشها و باورهایی را به دیگران القاء می کنند و به اصطلاح کارکرد هنجاری دارند، ثانياً استاندارد ها و معیار هایی در اختیار کنشگران قرار می دهند که کنش و نگرش خود را با آنها محک می زنند و به اصطلاح کارکرد مقایسه ای و تطبیقی ایفا می کنند. به دلیل اینکه آدمیان در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی می کنند و نمی توانند با ملاکهای عینی به صحت رفتار ها یا باورهای خود یقین پیدا کنند، مقایسه با گروههای مرجع و ارجاع به آنها، راهی برای برون شد از این معضل و بن بست است که این ارجاع اگر خود آگاهانه هم نباشد، نقش انکار ناپذیری در تصمیم گیریها و رفتارهای اعضای جامعه ایفا می کند. سوال اصلی در این تحقیق آن است که با توجه به نیاز و گرایش افراد جامعه به این گروه، چه شاخصه هایی باید مد نظر قرار بگیرد و به زبان ساده تر شاخصه های گروه مرجع چیست؟ و ایشان چگونه در جامعه شناسایی و مطرح می شوند؟ و دلیل اقبال و ادبار افراد نسبت به ایشان در دوره های مختلف چیست؟ و عدم گرایش یا مراجعه به ایشان چه پیامد هایی را به وجود خواهد آورد؟ در پاسخ به این سوالات ضمن بررسی انواع گروه ها به معرفی گروه های مرجع پرداخته ایم و شاخصه هایی را با تکیه بر مبانی جامعه شناسی، روانشناسی، قرآن و حدیث بیان نموده ایم. با توجه به اینکه موضوع جامعه شناسی بررسی ساختارها و تعاملات اجتماعی است، و روانشناسی اجتماعی به رفتار های فردی انسانها در بستر جامعه می پردازد و علائق و انگیزشهای فردی را در تعامل با دیگران مورد توجه قرار می دهد با تکیه بر قرآن و حدیث که بیانگر فطری بودن این نیاز در افراد است، با رویکردی روانشناختی و روان شناسی اجتماعی به ویژگیها و ابعاد فردی شاخص ها پرداخته و ضمن ایجاد پیوندی با رویکرد جامعه شناسی به عامل ساختارها و نظام ارزشی حاکم در جامعه شاخص پرداخته ایم. و در بخش پایانی عوامل موثر در بی توجهی به این شاخص ها را مورد مطالعه قرار دادیم که از این مقدمه به پیامد های بی توجهی به شاخص های اخلاقی دست یافتیم که از آن جمله اند: زنگار دل، خوگرفتن به زشتی، تزئین عمل، تاثیر پذیری شیطان و خسران. و در این بخش ضرورت ایجاب می کرد که به بیان راهکارهایی که در متون اسلامی ارائه گردیده پردازیم تا به نتیجه مطلوبی که مد نظر داشتیم و آن گرایش و اقبال گسترده جوانان به مراجعه و الگو پذیری از مراجع اخلاق است، دست یابیم. ان شاء الله تعالی

کلید واژه ها: اخلاق، گروه مرجع، انبیا، صدیقین، شهدا.

مقدمه..... ۱۰/.....

کلیات:

الف) تعریف مسئله..... ۱۳/.....

ب) سوالات تحقیق (فرضیات)..... ۱۴/.....

ج) هدف تحقیق..... ۱۵/.....

د) ضرورت تحقیق..... ۱۷/.....

ح) روش تحقیق..... ۲۰/.....

و) پیشینه تحقیق..... ۲۱/.....

ز) کاربرد..... ۲۵ /.....

فصل اول؛ تعاریف

۱- تعریف واژه های بنیادین..... ۲۷ /.....

۱-۱- اخلاق..... ۲۷/.....

۱-۱-۲- خلق..... ۲۷ /.....

۱-۲- علم اخلاق..... ۲۸ /.....

۱-۲-۲- تزکیه..... ۲۹ /.....

۱-۲-۳- آیات مرتبط به تزکیه در قرآن..... ۲۹/.....

۱-۳- آداب..... ۳۰/.....

۱-۴- گروه..... ۳۱/.....

۱-۴-۲- انواع گروه..... ۳۲ /.....

۱-۴-۳- گروه مرجع..... ۳۳ /.....

۲- اصول اخلاق..... ۳۵/.....

- ۳- رابطه آداب و سنن با اخلاق..... ۴۲/
- ۴- تفاوت اخلاق و آداب..... ۴۴/
- ۵- اهمیت علم اخلاق ۴۵ /
- ۶- نقش گروه‌های مرجع در اجتماع..... ۴۷/

فصل دوم (گروه های مرجع)

- ۱- تعریف گروه مرجع..... ۵۴/
- ۲- اهمیت گروه های مرجع..... ۵۴ /
- ۳- جامعه شناسان و گروه‌های مرجع..... ۵۵ /
- ۳-۱- زن و خانواده..... ۵۵ /
- ۳-۲- رسانه..... ۵۸/
- ۳-۳- همسالان..... ۵۹/
- ۳-۴- دوستان..... ۶۰/
- ۳-۵- مدرسه..... ۶۱/
- ۳-۶- علما..... ۶۱/
- ۳-۷- جامعه..... ۶۲/
- ۴- قرآن و گروه‌های مرجع..... ۶۳/
- ۴-۱- مفاهیم مرتبط با مراجع در قرآن..... ۶۳/
- ۴-۲- گروه های مرجع در قرآن..... ۶۴/
- ۴-۲-۱- انبیا..... ۶۵/
- ۴-۲-۲- صدیقین..... ۶۹/
- ۴-۲-۳- شهدا..... ۷۰/

- ۷۲/.....۴-۲-۴-صالحان
- ۷۳/.....۴-۲-۵-ائمه
- ۷۵/.....۴-۲-۶-امت اسلامی
- ۷۷/.....۴-۲-۷-مومنین
- ۷۹/.....۴-۲-۸-رستگاران

فصل سوم (شاخصه های گروه مرجع)

- ۸۳/.....۱-عدالت
- ۸۵/.....۲-صداقت (لسان صدق)
- ۹۱/.....۳-مودت و همدلی
- ۹۳/.....۴-استقامت
- ۹۴/.....۵-استقلال و عزت
- ۹۵/.....۶-آرامش و امنیت
- ۹۶/.....۷-اخلاص
- ۹۸/.....۸-احسان و نیکی
- ۱۰۰/.....۹-حق محوری (خدا محوری)
- ۱۰۱/.....۱۰-صبر

فصل چهارم (آثار بی توجهی نسبت به مراجع اخلاق)

- ۱۰۷/.....۱-عوامل موثر در بی توجهی
- ۱۰۷/.....۱-۱-نفاق
- ۱۱۳/.....۱-۲-کفر

- ۱-۲-۳- شرک..... ۱۱۷ /
- ۲ - آثار و پیامد های بی توجهی به مراجع اخلاق ۱۲۰ /
- ۱-۲-۱- زنگار دل..... ۱۲۰ /
- ۲-۲- خو گرفتن به زشتی..... ۱۲۱ /
- ۲-۳- تزئین عمل..... ۱۲۲ /
- ۲-۴- تاثیر پذیری از شیطان..... ۱۲۴ /
- ۲-۵- خسران..... ۱۲۶ /

فصل پنجم (نتیجه گیری و بیان راهکار)

- ۱- جمع بندی..... ۱۲۹ /
- ۲- بیان راهکار..... ۱۳۱ /
- ۲-۱- بهداشت اخلاق فردی..... ۱۳۱ /
- ۲-۱-۱- ترک معاشرت های مسموم و مشکوک..... ۱۳۱ /
- ۲-۱-۲- توبه..... ۱۳۲ /
- ۲-۱-۳- پرداخت زکات..... ۱۳۳ /
- ۲-۲- بهداشت اخلاق اجتماعی..... ۱۳۴ /
- ۲-۲-۱- آموزش و پرورش..... ۱۳۴ /
- ۲-۲-۲- تقویت بنیان خانواده..... ۱۳۶ /
- ۲-۲-۳- تعاون و همکاری گروهی..... ۱۳۶ /
- ۲-۲-۴- تحریم عوامل فساد جامعه..... ۱۳۷ /
- ۲-۲-۵- تحکیم روابط اجتماعی..... ۱۳۸ /
- ۲-۲-۶- نظارت و مسؤلیت همگانی..... ۱۳۹ /

۱۴۰ /۷-۲-۲- خودکفایی و عدالت اقتصادی

۱۴۱ /۸-۲-۲- عبادت فردی و جمعی = شعائر الهی

۱۴۲ /۹-۲-۲- زمام داری

۱۴۲ /۱۰-۲-۲- هجرت

۱۴۴ /منابع

درود مدام و سلام بسیار بر محمد و خاندانش، همان برگزیده ای که خداوند در برپایی حقش به او سوگند خورده است. چون شهود حقیقی را فقط از آن برگزیدگان می داند و پیامبر پاکترین پاکان است، از او به عنوان برگزیده و صفی یاد کرده است. مراد از صلوات، افاضه کمال و خیر تام، و معنی سلام، پیراستن و پاک دانستن او از تمام کاستی هاست، چه فطرت و سرشت او پاک است.

باید دانست که اصلاح اخلاق و خویهای نفس و تحصیل ملکات فاضله، در دو طرف علم و عمل و پاک کردن دل از خویهای زشت، تنها و تنها یک راه دارد، آنهم عبارت است از تکرار عمل صالح و مداومت بر آن، البته عملی که مناسب با آن خوی پسندیده است، باید آن عمل را آن قدر تکرار کند و در موارد جزئی که پیش می آید آن را انجام دهد تا رفته رفته اثرش در نفس روی هم قرار گیرد و در صفحه دل نقش ببندد و نقشی که به این زودیها زائل نشود و یا اصلا زوال نپذیرد. مثلا اگر انسان بخواهد خوی ناپسند ترس را از دل بیرون کند و بجایش فضیلت شجاعت را در دل جای دهد، باید کارهای خطرناکی را که طبعا دلها را تکان میدهد مکرر انجام دهد تا ترس از دلش بیرون شود، آن چنان که وقتی به چنین کاری اقدام می کند، حس کند که نه تنها باکی ندارد، بلکه از اقدام خود لذت هم می برد، و از فرار کردن و پرهیز از آن ننگ دارد، در این هنگام است که در هر اقدامی شجاعت در دلش نقشی ایجاد می کند و نقش های پشت سر هم در آخر بصورت ملکه شجاعت در می آید، پس هر چند بدست آوردن ملکه علمی، در اختیار آدمی نیست، ولی مقدمات تحصیل آن در اختیار آدمی است و میتواند با انجام آن مقدمات، ملکه را تحصیل کند.

درست است که اعمال انسان از اخلاق او سرچشمه می گیرد و خلق و خویهای درونی در لابه لای اخلاق نمایان می شود، بطوری که می توان گفت، اعمال و رفتارهای انسان ثمره خلق و خوی درونی اوست؛ ولی از سوی

دیگر، اعمال انسان نیز به نوبه خود به اخلاق او شکل می‌دهد؛ یعنی، تکرار یک عمل خوب یا بد، تدریجاً تبدیل به یک حالت درونی می‌شود و ادامه آن سبب پیدایش یک ملکه اخلاقی می‌گردد، خواه فضیلت‌باشد یا رذیلت؛ به همین دلیل، یکی از راههای مؤثر برای تهذیب نفوس، تهذیب اعمال است، و مبادا تکرار یک عمل بد در درون روح و جان انسان ریشه بدواند، و روح را به رنگ خود در آورد و سبب پیدایش رذائل اخلاقی گردد!

و با توجه به اینکه الگو، یک نیاز روانی و درونی انسان است و از قدیم الایام انسان در زندگی خود به صورت فطری همواره در پی الگو و قهرمان و رهبر بوده و هست و در زمینه‌های مختلف زندگی همچون نحوه غذا خوردن، تعاملات اجتماعی، ابعاد اقتصادی، علمی، فرهنگی، ورزشی، سیاسی، تربیتی... میتوان این الگو پذیری را در افراد مختلف و جوامع و ادیان و دیدگاه‌های متفاوت به وضوح دید به عنوان نمونه میتوان رفتارهای افراد جامعه بعد از پخش یک سریال را مورد توجه قرار داد یا تاثیر افراد جامعه از شاخص‌های ورزشی جامعه، و در دوران جنگ و دفاع مقدس تاثیر فرمانده‌ها را بر لشکر و حتی نحوه زندگی آحاد جامعه دید. و روشن است که بسیاری از یادگیری‌های افراد جامعه بر مبنای همین تاثیر الگو است که محقق میشود و "کونوا دعاه الناس بغير السستکم" اشاره زیبایی برای اهل بصیرت در همین راستاست.

به طور کلی توجه به نقش پر رنگ تربیتی، و تاثیر که الگو در یک نظام با هر اندیشه و آرمانی میگذارد، و گرایش فطری انسان به پیروی از یک قهرمان و انسان موفق، و تاکید قرآن بر الگو برداری از ایشان، اهمیت پرداختن به شاخصه‌های الگوهای اخلاقی گروه‌های مرجع پررنگ تر و ملموس تر می‌شود.

کلیات:

الف) تعریف مسئله

ب) سوالات تحقیق...

ج) هدف تحقیق

د) ضرورت تحقیق...

ح) روش تحقیق

و) پیشینه تحقیق...

الف- تعریف مسئله

انسان، موجودی کمال جو و تعالی پذیر است؛ کمال آدمی، بر اثر حسن انجام وظایفی به دست می‌آید که به موجب روابط گوناگون او با خود، خداوند و هموعان برعهده‌اش نهاده شده است، این روابط، به ترتیب عبارتند از:

الف- رابطه انسان با خودش؛ به این معناکه خود را بشناسد، ارزش‌ها و استعدادهای بالقوه و خدادادی خود را تشخیص دهد، هدف از خلقت و فلسفه وجودی خود را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا در نتیجه به قدر و قیمت واقعی گوهر وجود خویش واقف گردد.

ب- رابطه انسان با خدا؛ کمال نهایی انسان، تقرّب به پروردگار است.

این مهم تنها از راه شناخت او و راه‌های تقرّب به درگاه او میسر خواهد بود.

ج- رابطه انسان با دیگران؛ انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری، این ویژگی را جزو خصوصیات ذاتی و طبیعی او دانسته و او را موجودی مدنیّ بالطبع به شمار آورده‌اند. برخی از نظریه پردازان علوم اجتماعی نیز، این خصیصه را، معلول نیازهای متنوع آدمی دانسته‌اند؛ زیرا نیازهای او- با توجه به استعدادهای مختلف نهفته در وجودش - با معاشرت، تبادل افکار و ایجاد روابط نیکو با هموعان، در یک اجتماع سازمان یافته انسانی تأمین می‌شود. بر اثر همین معاشرت‌ها و تبادل افکار، روابط انسانی شکل می‌گیرد و فرهنگ انسانی به وجود می‌آید. در دیدگاه اسلامی، زمانی که جامعه و روابط انسانی آن، رنگ الهی و عبادی به خود بگیرد، همه جنبه‌های گوناگون رفتار آدمی در جهت نیل به هدف غایی آفرینش که کمال مطلوب اوست، معنا و مفهوم می‌یابد.

براین مبنا، جامعه و روابط متنوع آن، صحنه آزمون الهی است و انسان در این صحنه می‌تواند با ایجاد روابط صحیح و انسانی با هموعان خود، صفات نیکویی را که مورد توجه و رضایت حق تعالی است، در خود پرورش

داده و صفحه دل خویش را از رذایل اخلاقی و خصلت‌های ناپسندی که باعث سقوط و انحطاط وجود ارزشمند اوست، پالایش دهد.

اینجاست که نیاز به یک خطوط کلی و شاخص در روابط اجتماعی مطرح می‌شود، در جهت پاسخ به این سوالات که: باچه کسانی ارتباط داشته باشیم؟ از معاشرت و همنشینی باچه افرادی دوری جوئیم؟ درنشست و برخاست‌ها، چه نکاتی را مراعات کنیم تا بتوانیم به وظیفه خود چنانکه باید عمل نموده و از خطرها و خسارت‌های احتمالی ایمن باشیم؟

ب- سوالات تحقیق (فرضیات)

در این تحقیق تلاش شده مراجع اخلاقی در جامعه مورد شناسایی قرار گیرد و پاسخگویی به سوالات زیر انجام پذیرد:

۱- قرآن و عترت چه کسانی را گروه مرجع می‌داند؟

۲- ویژگیهای مراجع اخلاقی چیست؟

۳- بی توجهی به مراجع اخلاقی چه پیامدها و آسیب‌هایی را در جامعه در پی دارد؟

که در این راستا این فرضیات مطرح شدند:

۱- قرآن و روایات گروه‌های مرجع اخلاق را معرفی کرده و از آنجمله اند پیامبران، صدقین، شهدا.

۲- علاوه بر قرآن و روایات در جامعه شناسی و روانشناسی درباره گروه مرجع بحث شده است و مصادیقی از ایشان را معرفی نموده است.

۳- قرآن برای شناخت گروه مرجع، شاخصه‌هایی را مطرح نموده، مثل اخلاص و صبر.

۴- در بحث آسیب شناسی میتوان گفت: معرفت نسبت به مقام و عملکرد مراجع اخلاق و تمسک به آنها از مهمترین عوامل بازدارنده از انحرافات اخلاقی است.

ج- اهداف بررسی شاخصه های اخلاقی گروههای مرجع

با توجه به اینکه انسان موجودی با اراده و مختار است، باید آگاهانه و آزادانه در پی اجرای دستورات الهی قیام کند و این گونه حرکت، با وضع قوانین خشک و اعمال قدرت تحقق نمی یابد، بلکه باید انگیزه لازم در انسان پدید آید تا انسان بدون احساس فشار و تنگنا در این راستا قیام کند و این انگیزه را ایمان و اخلاق پدید می آورد و قوت می بخشد و قوانین الهی در کنار ارزشهای اخلاقی قابل اجراء می گردد. بنابراین ارزشهای اخلاقی نگهبان دین و ضامن اجرای قوانین خواهند بود.

بعلاوه، رشد و تکامل دینی بشر نباید در حد اجرای قوانین الهی متبلور در واجب و حرام متوقف شود، از این رو، تکامل دینی بیشتر، نیازمند ارزشهایی فراتر از حد ضرورت شریعت است و آن ارزشها در اخلاق نمودار می گردد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "اخلاق ظرف دین است".^۱

یعنی (دین در ظرف اخلاق پدید می آید، رشد می کند و باقی می ماند) و حتی بعضی از احادیث، داشتن فضایل انسانی و اخلاق نیکو را، مساوی با تمام دین یا نصف دین دانسته و از ریشه دار بودن آن در دین و تعالیم دینی پرده برمی دارد، بگونه ای که آن را از بخششهای الهی می شمارد. بنا به فرموده پیامبر اکرم (ص) که: اخلاق، بخششهایی از خداوند بزرگ است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱، ص ۳۹۴).

ارزشهای اخلاقی، صرف نظر از جنبه مذهبی از ضروریات زندگی یک جامعه سعادت مند است.

(۱) الْأَخْلَاقُ وَعَاءُ الدِّينِ.

(۲) الْأَخْلَاقُ مَنَائِحُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: اگر به بهشت و ثواب (آخرت) امیدوار نباشیم و از آتش و عذاب (جهنم) نهراسیم، باز هم شایسته است که فضیلت‌های اخلاقی را طلب کنیم؛ زیرا فضایل اخلاقی، از چیزهایی است که ما را به راه رستگاری هدایت می‌کند.^۱ (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۷)

خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمتی بزرگ بخشید) هنگامی که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و پاکشان کند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد (آل عمران: ۱۶۴).^۲

همچنین رستگاری را در پرتو تزکیه نفس دانسته، می‌فرمایند: "سوگند به نفس و آنچه موزونش ساخته است و زشتیها و پرهیزگاریهایش را به او الهام کرد، به تحقیق هر کس آن را تزکیه کرد، رستگار است و هر که آن را آلوده ساخت زیانکار است (شمس: ۷)."^۳

بانگاهی به زندگی اولیای گرامی اسلام و تأمل در سخنان گهربار شان، به اهمیت اخلاق نیک و تزکیه نفس، بیشتر پی برده، گستردگی مسائل اخلاقی را نه تنها در گفتار، بلکه در تمام شؤون فردی و اجتماعی آنان مشاهده می‌کنیم. تمام وجودشان را سجایای اخلاقی و خصلت‌های نیک فرا گرفته است. آنان اخلاق الهی را به تمام معنا در وجود خود به کمال رسانده و مظهر تجلی «اخلاق الله» و «آداب الله» گشته‌اند. آنان برای رسیدن به مقامات بالاتر اخلاقی، از درگاه خدا، استمداد می‌کردند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) از خدا می‌خواست: "خداوندا! به نیکوترین اخلاق هدایت‌کن (انصاری، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸)."^۴

۱) لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُوا جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا نَوَابِئًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ.

۲) لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ.

۳) وَ نَفْسٍ وَمَا سَوَّيْتَهَا. فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْنَهَا. وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْنَهَا.

۴) اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ.

"خداوندا! همان گونه که مرا نیکو آفریدی، خلق مرا (نیز) نیکو گردان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۶۷)!"

اولیای گرامی اسلام برای پیروان خود، نقش و ارزش اخلاق را در دین یادآور شده، آنان را به اخلاق نیکو تشویق می‌کردند. پس شناخت این مراجع اخلاق برای درک رفتار های پایدار و مقبول در جهت ترویج مفاهیم و ارزشهای اخلاقی و از بین رفتن آسیب ها و رذایل اخلاقی از مهمترین اهداف در این پژوهش می باشد.

د- ضرورت و اهمیت بحث

با توجه به این که مردم در جامعه مستمراً در حال کنش متقابل هستند، و فرد مستمراً نیازمند به مرجعی است که مورد تأیید قرارگیرد وجود گروه مرجع برای اینکه نگرشها و ارزشهای افراد و همچنین معیارهای خودسنجی ها و دگرسنجی‌هایشان از استمرار و ثبات نسبی برخوردار باشد الزامی می‌نماید. در واقع گروه مرجع موجب می‌شود تا گروهی از افراد منفرد مجزا از هم به دلیل تبعیت و همنوایی با امر واحد یا زاشتراک برخوردار شوند. به عبارت دیگر می‌توان گفت مهمترین کارکرد گروههای مرجع جامعه پذیری و کنترل اجتماعی است.

خطر ناک‌ترین رویداد انسانی انحطاط اخلاقی و شکسته شدن مرزهای اخلاقی است که در این صورت هیچ چیز به سلامت نخواهند ماند و انسانیت انسانها فرو می‌ریزد، و این امر در امورات اجتماعی از جایگاهی خطیر و ویژه برخوردار است، زیرا وقتی انسان از محدوده فردی خارج می‌شود و در پیوند با دیگر انسانها قرار می‌گیرد، در این پیوند اگر اخلاق نیک حاکم بر روابط انسانی نباشد، فاجعه چندین برابر می‌شود. به همین دلیل است که والا ترین ملاک در هر سازمان متخلق بودن به اخلاق انسانی است. امیرمومنان علی (ع) به دقت در مجموعه ای از ویژگیها و خصوصیات، در گزینش افراد سفارش می‌کند که حاصل این دقت، گزینش عاملانی است متخلق به اخلاق نیک، انسانهایی گرامی تر و با آبرو تر و با طمعی کمتر.

(۱) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي.

همچنین امیرمومنان علی (ع) در عهد نامه مالک اشتر چنین فرمان می دهد:

پس درباره کاتبان و دبیران خود بنگر، و بهترینشان را بر سر کار بیاور، و نامه هایی را که در آن تدبیر ها و رازهایت نهان است، از جمع کاتبان و دبیران به کسی اختصاص ده که به اخلاق از دیگران شایسته تر است. (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۱، نامه ۵۳)

امام بیش از هر چیز بر اخلاق تاکید می کند و آن را ملاک و معیار معرفی می نماید. در نظر امیر مومنان علی (ع) آنچه مایه برتری آدمیان و سبب والایی شأن ایشان است کرامتهای اخلاقی است و این کرامتها در ادامه امور نقشی اساسی دارد. روایت شده که آن حضرت فرمودند: بر شما باد به مکارم اخلاق که آن سبب والایی است.^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۵۳)

والایی مردمان و اعتبار آنان به مکارم اخلاق در ایشان است و کسانی که در جایگاه اداره امور قرار می گیرند، بیش از هر چیز به مکارم اخلاق و بزرگواریهای انسانی نیازمندند که روابط انسانها بدون کرامتهای اخلاقی، روابط خشک و شکننده خواهد بود.

البته هر چه مراتب اشخاص در امور اداری بالاتر برود و حیطة مسئولیت آنان گسترده شود، اخلاق و کمالات انسانی در آنان باید والاتر و برتر باشد، زیرا اخلاق و رفتار مسئولان و کارگزاران اصلی و مدیران ارشد به شدت بر دیگران تاثیر گذار است. امیرالمومنان علی (ع) در سخنی بلند به جابر بن عبدالله انصاری این حقیقت را چنین بیان فرموده است:^۲

^۱ (علیکم بمکارم الاخلاق فانها رفعه.

^۲ (یا جابر قوام الدین..... بدنیاه.

ای جابر دین و دنیا به چهار چیز برپاست: دانایی که دانش خود را به کاربرد، و نادانی که از آموختن سر باز نزند، و بخشنده ای که در بخشش خود بخل نرزد، و درویشی که آخرت خویش را به دنیای خود نفروشد. پس اگر دانشمند دانش خود را تباه سازد، نادان به آموختن نپردازد، و اگر توانگر در بخشش خویش بخل بورزد، درویش آخرتش را به دنیا ببازد (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۷۱۹، ح ۳۷۲).

و در جای دیگر چنین فرموده اند:

زامدار همچو رودخانه پهناوری است که رودهایی کوچک از آن جاری می شود، پس اگر آب آن رود خانه پهناور، گوارا باشد، آب درون رودخانه های کوچک گوارا خواهد بود، و اگر شور باشد آب درون آنها نیز شور خواهد بود (ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۷۹).

بر این اساس مسئولیت حراست حریمهای اخلاقی بیش از هر کس بر زمامدارا و مدیران ارشد است. علی (ع) فرموده اند:

آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد، و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید، و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۶۳۹، ح ۷۳).^۱

این موضوع آنچنان اهمیت دارد که حضرت علی (ع) در نخستین خطبه حکومتی خود، اساس اداره امور را بر آن معرفی نمودند و فرمودند:

آنچه می گویم بر عهده من است و من خود ضامن آن هستم. آنکس که حوادث عبرت آموز روزگار را به چشم ببیند و از آن پند پذیرد، پرهیزکاری اش او را از آلوده شدن به کارهای شبهه ناک باز می دارد... بدانید که خطا

¹ (من نصب نفسه للناس... و مودبهم.

کاریها همانند مرکب های سرکش و چموشند که خطا کاران را بر آنها سوار کرده اند و ان مرکب های لجام گسیخته به ناگاه می تازند و سواران خود را به آتش دوزخ سر نگون می کنند، و بدانید که پرهیزکاریها همانند مرکبهای رام و نجیبند که پرهیزگاران را بر آنها سوار کرده و زمامشان را به دست آنان داده اند و آن مرکب ها سواران خود را با آسودگی به سر منزل بهشت می رسانند (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۶۲۷، کلام ۱۶).^۱

همچنین امام راحل برای طی مراحل متعدد تعلیم و تربیت، برنامه ریزی و استاد راهنما را ضروری می دانست. به گفته حافظ ؛

طی این مرحله بی مهری خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی

و در این باره فرموده اند: باید به فکر باشید در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید، استاد اخلاق برای خود معین نمایید، جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید، خودرو نمی توان مهذب شد. کرار آشنیده ام سید جلیلی، معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول - مرحوم شیخ انصاری - بوده است. (امام خمینی (ره)، ص : ۵۵)

ح- روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی که رایج ترین روش در پژوهشهای دروس انسانی می باشد استفاده شده است که با مراجعه به همه منابع معتبر و شناسایی شده از قبل، مطالب مهم و مورد نیاز خود در فیشهای تحقیق جمع آوری شده و با یک نظم منطقی دسته بندی شده و در فصل دوم تحقیق با یک دسته بندی مناسب و منطقی ثبت شده است.

^۱ (ذمتی بما اقول رهینه... فاوردتهم الجنة.